



**یادداشت**

شارلوت دانکر

**منچسترسولشر بدون برنامه و متکی به بازیکنان نه، تومدعی قهرمانی نیستی!**

شیاطین سرخ در تابستان مخارج زیادی داشتند. اما نیم اوله گونا رسلشر انکار برنامه‌ای ندارد. این مشکل خودش را در شکست چهار بر دو آنها برابر لستر سیتی نشان داد.

اگر منچسترسولشر می‌خواست به عنوان مدعی جدی قهرمانی لیگ برتر شناخته شود، باید در ورزشگاه کینگ‌پاور پیروز می‌شد.

اما آنها نتنها شکست خوردند که باختشان سنگین هم بود و یکی از بدترین عملکردهای این فصل خود را به نمایش گذاشتند. این اولین باخت خارج از خانه آنها در لیگ برتر از ژانویه ۲۰۲۰ تاکنون بود.

سولشر سه هفته حیاتی را پیش رودارد واین شروعی نبود که او برای این دیدارها می‌خواست. کریستیانو رونالدو در پایان بازی، از او تقصیری ندارد. او که به یونایتد برگشته که در چنین نمایش‌های ضعیفی حضور داشته باشد.

باید نظر گرفتن فرم لستر، این بازی، روی کاغذ، آسان‌ترین دیدار یونایتد در شش بازی پیش روی این تیم بود.

اما لیورپول، رقیب بعدی آنها، در خانه وانفورد نمایش پنج ستاره‌ای داشت و یونایتد برابر لستر بردن را چارچر فروپاشید.

تیم سولشر می‌توانست از این بازی استفاده کند و خود را به عنوان مدعی قهرمانی مطرح سازد، اما با عملکردی که دیدیم، آنها هیچ بختی برای به چالش کشیدن امثال لیورپول، منچستر سیتی و چلسی ندارند.

وقتی یاسون داکاگل چهارم لستر را در وقت تلف‌شد زده، سولشر ماتش برده بود. او واقعاً حق شکایتی به ند داشت. لستر شایسته پیروزی بود؛ نتیجه چهار بر دو مناسب بازی آنها بود.

اگر عملکرد عالی دایود دخنا در دروازه نبود، پیش از آنکه بازی به دقیقه ۸۰ برسد، لستر کار را اتمام کرده بود.

یونایتد از حمله تا دفاع ضعیف بود و فقط با درخشش انفرادی برخی بازیکنانش بود که در جریان مسابقه باقی ماند.

آنها عامل اصلی سقوط خود هستند. اشتباهات پیاپی بازیکنان دیگر این تیم باعث می‌شد رقیب فرصت‌های زیادی به دست بیاورد.

دو گل تیم میزبان روی ضربات شروع مجدد بود و این مشکل همیشه تیم سولشر بوده است. اولین گل آنها هم روی اشتباه هری مگوایر بود که تلاش می‌کرد از عقب بازی سازی کند.

کاپیتان منچستر یونایتد حتی روی نیمکت هم نباید می‌نشست. او را بجای از مصدومیت برگردانده بودند، در حالی که تنها یک جلسه تمرینی کامل را پشت سر گذاشته بود و این موضوع خودش را نشان داد.

او در همان دقیقه نخست بازی، یک پاس اشتباه داد و در ادامه هم همین نمایش را ادامه داد. محمد صلاح حتماً ذوق دارد که تنها یک هفته بعد، مقابل چنین بازیکنی به میدان خواهد رفت!

یونایتد نمی‌توانست با پرس لستر کنار بیاید و به همین دلیل، سولشر از همین حالا نگران آن است که نیمش مقابل آماده‌ترین مهاجم حال حاضر اروپا چه کار خواهد کرد.

این مربی نرزی در هفته‌های گذشته از این صحبت کرده که مهاجمانش بی‌رحم نیستند. اما آنها انسجامی در خط حمله ندارند و حرکتشان با هم هماهنگ نیست.

جیدون سانچو جای دیگر شیی آرام را پشت سر گذاشت. رونالدو نمی‌توانست فرصتی برای گلزنی داشته باشد و گل تساوی یونایتد روی یک لحظه درخشش میسون گرین بود به ثمر رسید.

مشکل یونایتد هم همین است. آنها نه تنها به واکنش‌های عالی دخنا در دروازه متکی هستند تا ضعف دفاعشان را بپوشاند، بلکه روی گرین‌وود، رونالدو، رشفورد و سایر بازیکنان اتکا دارند تا با خلاقیت خود، گل‌هایی بزنند که می‌توانند گل‌های فصل لقب بگیرند. به این ترتیب یونایتد در تلاش است که امتیاز کسب کند.

یونایتد باید نقشه آشکار، منسجم و عملیاتی داشته باشد، اما در حال حاضر، انگار این تیم هیچ ساختاری ندارد و این را می‌توان در این امر دید که آنها در هفت بازی اخیر خود، تنها و پیروزی نداشته‌اند.

یونایتد در باتلاق گیر کرده‌بار بازی با منچستر سیتی و ناتهام هم در پیش است. سخت‌نویان دید که آنها از این بحران بیرون بیایند.

منبع: گل

گفت و گو با یولیان ناگلسمان، مربی بایرن مونیخ

# بچه موری نیو

همبازی‌ام در تمرین به من می‌گفت جان تری و من به او می‌گفتم پاتریک ویرا



یورم‌ام‌ا در تابستان نمی‌شود با استنبورد و ذهن فوتبالی در دشانی کمک کردند؟ اگر بپ‌گ‌دویرولا، یوهان گریف‌ا را داشت، چه کسی اشتیاق را در بهترین مربی جوان فوتبالی اروپا را رنگینقت وقتی در مونیخ ۱۸۶۰ تازه بازیکن حرفه‌ای شده بود؟ ناگلسمان می‌گوید: «جان تری، شاید احمقانه باشد اما وقتی بازیکن جوانان بودم با کریستین تراش هم تیمی بودم و همیشه به او می‌گفتم پاتریک به خاطر پاتریک ویرا چون شماره شش می‌پوشید. او هم به من می‌گفت جانی به خاطر جان تری چون دفاع وسط بودم. آن موقع تری یکی از بهترین مدافعان وسط جهان بود. یک فصل حتی یک نبرد دو هفته را نیاخت. او شجاعت فوق‌العاده‌ای داشت و این برایم مسأله اصلی بود. یایم خوب بود اما مغزم بهتر بود و در این، شباهت‌هایی با جان تری داشتم. برای همین کوهایی به من می‌گفت جانی. بقیه هم تیمی‌ها از این اسم‌گذاری ما دو نفر تعجب می‌کردند.

نتها ملاقات این دو در دنیای واقعی در سال ۲۰۱۹ بود که در اواخرش، ناگلسمان لایپزیگ را تا نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان برد. تری کمک مربی است و ویلا بود و در دیدار تدارکاتی پیش فصل با هم رویه رو شدند. مربی آلمانی مشتاقانه برای اسطوره جلسی توضیح می‌داد که عاشقش بوده و در جوانی خودش را به او تشبیه می‌کرده: «به دقیقه برایش حرف زدم و توضیح دادم او هم شگفت‌زده نگاهم می‌کرد.» اما تلاش نکرد با اسلفی بگیرد: «کار درستی نبود چون من مربی لایپزیگ بودم به هر حال او الگویی فوق‌العاده‌ای بود چون یک مدافع میانی عالی بود که عاشق دفاع بود. برایم اهمیت زیادی دارد و هر وقت با یک مدافع حرف می‌م‌زدم می‌گویم نام تو مدافع است و اولین کاری که می‌کنی باید دفاع باشی. بعد به کارهای دیگر و بازیساز و این چیزهای می‌رسی.»

### با خودت روراست باش

در واقع از ۲۸ سالگی که مربیگری هوفنهایم به او پیشنهاد شد، با خودش روراست بود. چند سال قبل، از مصدومیت کمرو ژانویه تنگ آمده و رویای حرفه‌ای شدن برایش دست نیافتنی شده بود. در ۲۰ سالگی مدت کوتاهی در آگزبورگ بود که زیر نظر توماس توخل به عنوان استعدادیاب برای تیم‌های پایه فعالیت می‌کرد. بعد راه توخل در مربیگری تیم‌های پایه را طی کرد و در سال ۲۰۱۰ در موقع تری‌لیکس توضیح شد و بعد به مربیگری تیم ۱۹ سال رسید، آنجابه اولقب «بچه مونیو» داد. در نهایت هوفنهایم که تحت مالکیت غول نرم‌افزار SAP، دیمتیار هوب قرار داشت، تصمیم گرفت از آغاز فصل ۲۰۱۷-۲۰۱۶ او را به عنوان مربی انتخاب کند اما هوب استیونس در میانه فصل مجبور به استعفا شد و ناگلسمان از فوریه ۲۰۱۶ کارش را به دست گرفت. هوفنهایم تیم یکی مانده به آخر بود و هفت امتیاز تا ایمنی فاصله داشت؛ به نظر می‌رسید هیچ شاشی ندارد.

این ااداستان باور نکردنی او بود. چطور یک مربی ۲۸ ساله می‌توانست اقتدار خود را در تیمی که چند بازیکن بالای ۳۰ سال داشت، حفظ کند: «وحشت کلمه درستی نیست، اضطراب داشتم. برای حرف‌های اولین جلسه یک روز وقت داشتم نوت بردارم. می‌خواست‌ام از توانمان برای تغییر حرف بزنم. اولین جلسه تمرین سه‌شنبه است. در زمستان هم با استنبورد به آلب

### اسکیت یورد یا استنبورد

ماه گذشته فیلم رسیدن او به زمین تمرین بایرن با اسکیت‌بورد وایرال شد. خودش با خنده می‌گوید: «بله من عاشق سرکار رفتن با اسکیت‌بورد هستم چون حال می‌دهد و برای محیط زیست هم خوب است. در زمستان هم با استنبورد به آلب

### یادداشت

هری رندپ ● مربی سابق ناتهام

هدایت نیوکاسل خیلی قبل‌تر از آنکه سرو کله سعودی‌ها در این باشگاه پیدا شود، یکی از جذاب‌ترین شغل‌های فوتبال در انگلیس بود. در واقع اگر به خاطر عمل جراحی قلبم در چند سال پیش نبود، من شخصاً خودم سرمربی این تیم شده بودم. من سرمربی یورن‌سموت بودم که «پل کمسلی» یکی از دوستان نزدیک «مایکل اشلی» (مالک سابق نیوکاسل) با من تماس گرفت. نیوکاسل داشت دنبال مربی جدید می‌گشت. ماجرا مربوط به بعد از رفتن س‌م آل‌اردایس بود و مایک می‌خواست بداند که آیا من تمایلی به قبول هدایت نیوکاسل دارم یا نه و مسلماً خودم هدایت می‌خواست‌م چیزی که آنها می‌گویند را بشنوم. چیزی که به من گفتند خیلی خیلی وسوسه‌انگیز بود. اما خان‌اهی که به من برای زندگی در نیوکاسل پیشنهاد دادند کمترین بخشش بود. آنها گفتند آماده‌اند یک جت شخصی در اختیارم بگذارند تا هر روز صبح ساعت ۷ صبح مرا از یورنوت به نیوکاسل برده و در پایان کارم ساعت ۵ عصر هم اگر نمی‌خواست‌م بمانم مرا با همان جت برگردانند.

پایه‌اعتراف کنم که پیشنهادشان جدا ذهنم را مشغول کرد و در یک

مقطع واقعاً به خودم گفتم خب چرا که نه؟ نیوکاسل به هر حال باشگاه اسم و رسم‌داری است، با یک جامعه بزرگ هواداری و همیشه هم پتانسیل فراوانی داشته است اما هر چه پیش‌تر به آن فکر می‌کردم، بیشتر به این نتیجه می‌رسیدم که آنطور نمی‌شود کار کرد. به خصوص به محض اینکه چند بازی را ببازیم، دیگر ممکن بود آفتاب‌خیال هر روز بردن و آوردن من با هوایما شوند. تصور چنین

چیزی واقعاً برایم جالب نبود و به همین دلیل آخر سر به آنها پاسخ منفی دادم اما شکی نیست که من برای مدتی وسوسه شده بودم چون نیوکاسل واقعاً باشگاه فوق‌العاده‌ای است. شهر نیوکاسل شهر مردم می‌گویند که نیوکاسل تا ۵ سال دیگر می‌تواند مدعی قهرمانی باشد اگر آنها کارشان را درست انجام دهند. من فکر می‌کنم که این اتفاق شاید تا دو سال دیگر هم رخ دهد. چرا که نه؟ یا همه اینها مهم‌ترین استخدامی که آنها می‌توانند



جدید مورد نظر خودشان را استخدام کنند. آنها گفته‌اند که می‌خواهند بزرگ‌ترین بازیکنان را به خدمت بگیرند و در درآمدت هم آنها را خواهند گرفت. مردم می‌گویند که نیوکاسل تا ۵ سال دیگر می‌تواند مدعی قهرمانی باشد اگر آنها کارشان را درست انجام دهند. من فکر می‌کنم که این اتفاق شاید تا دو سال دیگر هم رخ دهد. چرا که نه؟ یا همه اینها مهم‌ترین استخدامی که آنها می‌توانند

سرعت می‌شود سبک بازی را تغییر داد، توپ خیلی سریع حرکت می‌کند و این راه را برای شکستن پرس بازی می‌کند که مهم‌ترین چیز است. همیشه به پیروزی فکر کرده‌ام نه به اشتباه نکردن و حالا هم همینطور است. این در هوفنهایم کلیدی بود. قبل از شروع کارم، نتها دو بازی را برده بودیم و شباهتی به تیمی که بخواهد در لیگ بماند، نداشتیم بنابراین باید بازی‌ها را می‌بردیم نه اینکه اشتباهی مرتکب نشویم. امروز هم می‌گویم ممکن است مرتکب اشتباه شویم اما من می‌خواهم بازیکنان شجاعی داشته باشم که سعی می‌کنند با مالکیت توپ مشکل را حل کنند. شاید اشتباه کنند، طبیعی است اما باید ساختار درستی پشت توپ داشته باشند در این صورت در زمان اشتباه، به سختی مجازات نمی‌شود.»

### شادی، هدف بزرگ

در میان دنیای بزرگان مربیگری، با شور و شوق جوانی می‌کند. عاشق کوه است جایی که در آن بزرگ شده به خصوص در لندن بزرگ در جنوب غربی باوریا؛ «من در آلب به دنیا آمده‌ام طبعی است که عاشقش باشم. خانه بزرگ را دوست دارم، اینکه به رستوران بروم، در کنار خانواده‌ام زندگی کنم، بیشتر از همه دوست دارم خوشحال باشم. این در واقع بزرگ‌ترین هدف زندگی‌ام است. وقتی می‌خواهم شاد باشم به آلب می‌روم، ورزش می‌کنم، دوستانم را می‌بینم یا به رستوران می‌روم. چوک می‌گویم و شمایا تبدیل می‌کنم که گاهی احمقانه است. تلاش می‌کنم بچندم و خوشحال باشم. این توصیف من است.»

### بی‌علاقه به لیگ برتر

او در آغاز قرارداد پنج‌ساله با بایرن مونیخ است و شاید خیلی طول بکشد تا او را در لیگ برتر ببینیم. ناگلسمان سال‌های رشد خودش را اسیری می‌کند و باید شوق و توان جوانی را به جام تبدیل کند. قهرمانی سوپر جام امسال آلمان نتها عنوانی است که بعد از قهرمانی با تیم ۱۹ سال هوفنهایم به دست آورده. اما سخت می‌شود تصور کرد چنین استعداد ناب مربیگری به دنبال این نیست که یک روز در لیگ برتر انگلیس مربیگری کند: «من مجبور نیستم آلمان را ترک کنم چون از بوندس‌لیگا راضی‌ام و خوشحالم از اینکه در بزرگترین تیم آلمان کار می‌کنم. اما بعد از آن، اگر فرصتی پیش بیاید، شاید به یک سال بعد، به یک تیم بزرگ در اسپانیا، ایتالیا یا فرانسه یا هر جایی که برای خوم و خانواده‌ام جذاب باشد. بروم برای اینکه یک زبان دیگر یاد بگیرم و بایک فرهنگ متفاوت آشنا شوم و در یک لیگ جدید کار کنم.»

اما او باید با بایرن قهرمان بوندس‌لیگا و لیگ قهرمانان شود. بعد نوبت جهان است یا شاید لیگ برتر.

منبع: دیلی میل

### یادداشت

نیل جونز

خدا حافظی با عصر یک‌تازی مسی و رونالدو

**صلاح، بهترین بازیکن امروز دنیا است**



مگر بار به تور دروازه چسباند. گوشه دورتر دروازه. فاستر فقط ایستاد و تماشا کرد. جقدر خوب بود. صلاح لیخند زد. ترنت الکساندر-آرنولد اولین بازیکنی بود که به سراسر رفت. او داشت می‌خندید. پشت سر آنها، فریمینو همان ضربه کوکب قویی معروفش را زد. شاید در حال حاضر، نتها راه متوقف کردن صلاح همین باشد. کلوب در کنار میدان، شبیه مردی شده بود که جایزه یک میلیون یورویی را برده است. آیا واقعاً این اتفاق افتاده؟ واقعاً؟

می‌شد برای وانفورد دلسوزی کرد، یورکن کلوب پس از بازی گفت: «عملکرد او امروز فوق‌العاده بود. پاس گل اول عالی بود و گل دوم خاص، چه کسی مخالف است؟ صلاح سال‌هاست که فرمی خاص داشته است و حالا به مرحله فوق‌العاده‌ای رسیده است. او فقط گل نمی‌زند، بلکه پاس گل هم می‌دهد. او سخت‌تر از همیشه تلاش می‌کند. او با نوغش مدافعان حریف را به وحشت می‌اندازد و هواداران را به وجد می‌آورد. تعجبی ندارد که او همیشه لیخند می‌زند.

او در دقیقه ۹۰ برای چهارمین بار از سد زرگریخت و گل مانه را بایک پاس عمقی بیرون پای زیبا ساخت. مانه با ضربه‌ای دقیق توپ را گل کرد. کلوب جقدر خوشحال است که این خط حمله سفنر‌هاش، اینطور بازی می‌کند. وقتی صلاح، مانه و فریمینو در اوج باشند، کمتر خط حمله‌ای در فوتبال به اندازه آنها چشم‌نواز است. فریمینو در آخر بازی، توپ را با خود برد. چرا که روی سه موقعیت، سه‌بر صفریش بودند که صلاح گل خود را به ثمر رساند. او پیش از آن، با نمایشی زیارانه، گل سادیو مانه را ساخت. این صدمین گل این بازیکن سنگالی در لیگ برتر بود. صلاح چند بار به سد نیم فاستر برخورد کرد و یک بار هم مدافع وانفورد مانع گل شدن شوت او شد. روبرتو فریمینو گل‌های دوم و سوم تیمش را زد. او توانست در وقت‌های تلف‌شده، هت‌تریک خود را کامل کند. اما این صلاح بود که نظر همه را جلب کرد.

ویرجیل فن‌دایک و پوئل ماتپب می‌توانستند گل بازی را به مرور ایستاکرام بگذرانند. کلوپوهمین کلهر، دروازه‌بانی که جانشین بکر شده بود، عموک می‌خواست از پشت سر گذاشت. طرفداران لیورپول هم خوشحال بودند و می‌خواندند: «سرخ‌ها هیچ پولی ندارند، اما با این حال ما قهرمان لیگ خواهیم شد.» وقتی صلاح از کارهای صلاحی انجام می‌دهد و وقتی مانه و فریمینو روی اوج‌بایند، باید شاعر طرفداران لیورپول را باور کرد.

### سوزه

کشورهای نفتی آمدند، سیاست عوض شد

**رنال پول کهکشانی نمی‌دهد بازیکن آزاد می‌گیرد**



چرا که مدیران سانتاگرو براینپو در حال رصد تحرکات باشگاه‌های رودیگرو پوگا، جلسی و منچسترسولشر هستند. در مورد رودیگر، به نظر می‌رسد که تمایلی برای تغییر لیگ وجود دارد و به همین دلیل امکان موافقت او با رفتن به رنال مادرید با حقوق ۱۰ میلیون یورو در سال هست. در مورد پوگا که سال‌ها در هدف رنالی‌ها بوده است، مشکل همیشه مطالبات حقوقی بالایش بوده که الان هم ممکن است بالاتر و انتقالات را تکان داده‌اند. رنال مادرید می‌داند که باید در سراز دنبال بازیکنان آزاد می‌باشد که می‌خواهند در یک تیم سطح بالاتر بازی کنند و تابستان امسال هم همین کار را با جذب دیوید آلایا که قراردادش با بایرن مونیخ تمام شده بود با نگاه به آینده، آنتونیو رودیگر و پل پوگبا هم بازیکنانی با قرارداد‌های رویه تمام هستند که به گزینه‌هایی برای رنال مادرید تبدیل شده‌اند. این باشگاه آماده است که به این بازیکنان حقوق‌های بالا بپردازد و رنال مادرید با سایر باشگاه‌های خرید پیشنهاد نمی‌تواند به آسانی پیروز شود. پیشنهاد رنال مادرید به بایرن مونیخ مارکا